

دکتر سید محمد کاظم سجاد پور

روش‌شناسی و مطالعات منطقه‌ای ضعفها و قوتها

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال جامع علوم انسانی

مقدمه

مطالعات منطقه‌ای،* در حال حال حاضر به بخشی انفکاک ناپذیر از رشته روابط بین‌الملل تبدیل شده و روز به روز جاذبه بیشتری می‌یابد. با توجه به اهمیت روزافزون مطالعات منطقه‌ای، در این نوشتار تلاش می‌شود که به رابطه بین متدلوژی و مطالعات منطقه‌ای پرداخته و به این پرسشها پاسخ مناسب داده شود: آیا مطالعات منطقه‌ای، روش‌شناسی مستقل و جداگانه‌ای از سایر شاخه‌های علوم سیاسی دارند؟ ضعفهای متدلوژیک مطالعات منطقه‌ای کدامند؟ آیا این رشته از دانش سیاسی، مشارکتی در غنا بخشیدن به روش‌شناسی در مجموعه رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل داشته است؟

*Area Studies

به منظور پاسخگویی به پرسشهای مذکور، این نوشتار به سه بهره تقسیم شده است: بهره اول، به سیر تحول مطالعات منطقه‌ای اختصاص یافته است، بهره دوم به نقاط ضعف متدلوژیک مطالعات منطقه‌ای می‌پردازد و سرانجام در بهره آخر، مشارکت مثبت این مطالعات در عرصه متدلوژیک رشته روابط بین‌الملل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

لُب کلام* این نوشته آن است که پراکندگی روش شناختی و حضور انگیزه‌های سیاسی در تحقیق، از نقاط ضعف مطالعات منطقه‌ای بوده، فراهم آوردن زمینه مناسب برای آزمودن گمانه‌های مختلف، خلق تئوری‌های جدید و نزدیک کردن نظریه پردازی با واقعیت‌های اجرایی، از نقاط قوت این گونه مطالعات است.

با عنایت به چارچوب مطرح شده، لازم است مروری کوتاه بر تاریخچه مطالعات منطقه‌ای داشته باشیم.

بهره اول: سیر تحول مطالعات منطقه‌ای

ابتدا باید روشن ساخت که منظور از مطالعات منطقه‌ای چیست؟ همان گونه که عنوان گویاست، بررسی و شناخت اختصاصی یک منطقه از مناطق دنیا و متمرکز کردن مطالعات در آن، مطالعه منطقه‌ای نامیده می‌شود. البته در تعریف منطقه و ویژگیهای هر منطقه، بین صاحب نظران اختلاف وجود دارد. بدون توجه به این منازعات، باید گفت در مطالعات منطقه‌ای، تأکید خاصی بر عامل جغرافیایی از یک سو و عامل انسانی از سوی دیگر می‌شود. در تعریف منطقه هر اندازه هم که اختلاف نظر وجود داشته باشد، باز می‌توان حتی به صورت دقیق و هندسی، محدوده جغرافیایی خاصی را مشخص کرد و روی عامل انسانی ساکن آن سرزمین به مطالعه پرداخت.^(۱)

با عنایت به نگرش مذکور، می‌توان گفت که مطالعات منطقه‌ای از کهن‌ترین دانش‌هایی

* Argument

۱- برای تعریف منطقه و نظریات مختلف در این زمینه، مراجعه کنید به :

Norton Ginsburg , "Area" in *International Encyclopedia of the Social Sciences*

Edited by David Sills (New York : McMillan , 1968) , Vol . 1 , pp. 398-399.

است که از ابتدای تاریخ تاکنون با بشر بوده و کمتر برهه‌ای از زمان را می‌توان سراغ گرفت که مطالعه در منطقه و مردمی خاص و شناخت ویژگیهای آن وجود نداشته باشد. در کتابهای مقدّس که از قدیمی‌ترین اسناد موجود تاریخ بشر قلمداد می‌گردند، داستانها و روایت‌های مختلفی از ملتها و نحلّه‌های مختلف با عنایت به محدوده جغرافیایی خاص و ویژگیهای رفتاری آنها وجود دارد. نکته برجسته در این داستانها، تکیه بر مقایسه ملتها و تأکید بر عبرت از سرنوشت آنهاست که شاید به یک تعبیر، عرضه نوعی روش‌شناسی است. بدین صورت که از مطالعه تطبیقی سرزمینها و اقوام مختلف، کشف قوانین عام رفتاری و به کارگیری این قوانین در قالب تمسک به اعمال نیک و اجتناب از کردارهای نامناسب توصیه شده است.^(۲)

گرایش مذکور نه تنها در کتابهای مقدّس، بلکه در آثار متأخرین و فیلسوفان یونان و سایر تمدنهای باستانی نیز به چشم می‌خورد. سفرنامه نویسها نیز به نوعی مطالعات منطقه‌ای بر اساس مشاهده از نزدیک و حضور در صحنه مورد مطالعه را عرضه می‌کنند.^(۳) درباره سابقه کهن مطالعات منطقه‌ای دو مفهوم اصلی را می‌توان مشخص کرد. اول آنکه به طور کلی انسان موجودی مقایسه‌گر است و جوامع را با یکدیگر مورد تطبیق و مقایسه قرار می‌دهد و ثانیاً در تاریخ بشری همیشه جاذبه و کشش طبیعی نسبت به شناخت دیگران وجود داشته است.

این یک نگاه عمومی به مسئله مطالعات منطقه‌ای در قالب عام آن بود، اما باید گفت که مطالعات منطقه‌ای به عنوان یک رشته مستقل دانشگاهی، ریشه در تحولات مربوط

۲- در زمینه داستانهای کتابهای مقدّس، باید گفت که در تورات، انجیل و قرآن از سرنوشت اقوامی که نافرمانی خداوند کردند، سخن رفته است. این داستانها، از جهت کاربردی که برای انسان داشته‌اند، مورد تأکید واقع شده‌اند. سرنوشت قوم لوط یکی از مسایلی است که در کتابهای مقدّس و قرآن تشریح شده است.

۳- به طور کلی باید گفت که بشر علاقه‌ای به دسته‌بندی و تبیین خصوصیات دیگران و جوامع غیر خودی داشته است. برای نمونه‌ای از این تلاشها مراجعه کنید به :

آندره زیگفريد، روح ملتها، ترجمه احمد آرام (تهران: شرکت انتشار، بی تا).

به جنگ جهانی دوم دارد. جنگ مزبور، نه تنها از نظر قدرت سیاسی و نظامی سرنوشت ساز بود، بلکه حیات علوم اجتماعی و انسانی را به طور عام و دانش علوم سیاسی و روابط بین‌الملل را به طور ویژه‌ای دستخوش تحول نمود و بی تردید جنگ جهانی دوم نقطه عطفی در این راستا است.

جنگ جهانی دوم، امریکا را از موقعیت یک قدرت بزرگ، به جایگاه ابرقدرتی رساند و این به نوبه خود لزوم شناخت مناطق مختلف دنیا را برای حفظ و توسعه قدرت، مطرح ساخت.^(۴) در چنین فضایی بود که رشته روابط بین‌الملل رونق گرفت و از این رونق بود که مطالعات منطقه‌ای به عنوان رشته‌ای کم و بیش مستقل مطرح شد. غالب مراکز تحقیقاتی و مطالعاتی منطقه‌ای نظیر مرکز مطالعات خاورمیانه، مرکز مطالعات روس شناسی دانشگاه هاروارد، مرکز مطالعات خاور نزدیک دانشگاه پرینستون و مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس محصول این دورانند.^(۵) گفتنی است که مطالعات منطقه‌ای در دانشگاه‌های امریکایی، در غالب موارد با مطالعات زبان شناسی و آموزش زبانهای خارجی شروع شد و به مرور سایر رشته‌ها در

۴- صعود امریکا به قدرت، تأثیر شگفت‌انگیزی بر سرنوشت علوم سیاسی در این کشور داشت،

مراجعه کنید به :

Michael Baer et. all , *Political Science in America : Oral Histories of a Discipline* , Lexington : The University Press of Kentucky , 1991 .

در این کتاب، بزرگان علوم سیاسی در نیمه دوم قرن بیستم سیر تحول این رشته را در امریکا تشریح کرده‌اند. همچنین مراجعه کنید به :

Donald M. Freeman , "The Making a Discipline" in *Political Science : Looking to the Future* (Evanston : Northwestern University Press , 1991) , vol . 1 , pp. 15-44 .

۵- برای آگاهی از تاریخچه تأسیس مراکز مطالعات منطقه‌ای در امریکا مراجعه کنید به :

Wendell Bennett . *Area Studies in American Universities* , New York : Social Science Research Council , 1967 .

درون مطالعات منطقه‌ای جای گرفتند. جالب آنکه، گسترش مطالعات منطقه‌ای در پی جنگ جهانی دوم، منحصر به امریکا نیست؛ در انگلیس نیز از ۱۹۴۷ به بعد است که با انتشار گزارش موسوم به «اسکاربرو» Scarbrough در باره مطالعات آفریقایی، اروپای شرقی، اسلاو‌شناسی و شرق‌شناسی*، مطالعات منطقه‌ای جلوه بیشتری پیدا می‌کنند. هر چند که در انگلستان از ۱۹۱۶ با تحرک دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی،** مطالعات منطقه‌ای به شکل علمی راه اندازی می‌شوند، ولی در عمل بعد از جنگ جهانی دوم، بر تنوع مطالعات منطقه‌ای افزون می‌گردد.^(۶)

در فرانسه نیز حدود یک دهه بعد از جنگ جهانی دوم (۱۹۵۵)، از طریق دریافت کمک مالی بنیاد امریکایی راکفلر، مطالعات منطقه‌ای در Ecole Pratique des Hautes Etudes تقویت می‌شود.^(۷) این نکته، جالب توجه است که در همان سال، در شوروی سابق نیز انستیتو شرق‌شناسی مسکو، با نگاه جدیدی نسبت به مطالعات منطقه‌ای به پژوهش درباره خاورمیانه و کشورهای آسیایی می‌پردازد.^(۸) از اواخر دهه ۱۹۵۰ به بعد، رشته مطالعات منطقه‌ای در کشورهای دیگر نیز رشد

*The Scarbrough Report on Oriental, Slavic, Eastern Europe and African Studies

**The School of Oriental and African Studies

۶- برای آگاهی از سابقه مطالعات منطقه‌ای در انگلیس مراجعه کنید به :

Hamilton Gibb, *Area Studies Reconsidered*, London: University of London School of Oriental and African Studies, 1963.

۷- برای آگاهی از سابقه مطالعات منطقه‌ای در فرانسه مراجعه کنید به :

Paris Ecole Pratique, Hautes Etudes, *Division des Aires Culturelles*.
Section des Sciences Economiques et Sociales, Paris: 1963.

۸- برای آگاهی از برخی اقدامات روسها در زمینه مطالعات منطقه‌ای مراجعه کنید به :

"Organization of the Soviet Institute of Chinese Studies and its Tasks",
Journal of Asian Studies, vol. 16 (1957), pp. 677-678.

می‌کند که یکی از دلایل این رشد، فعالیتهای سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد، موسوم به یونسکو در کمک به راه اندازی مراکز مطالعات منطقه‌ای در کشورهای مختلف است.^(۹) به علاوه، افزایش تعداد کشورهای جدید الاستقلال، به دنبال مبارزات ضد استعماری دهه ۱۹۶۰، ضرورت شناخت بسیاری از مناطق جهان را اجتناب ناپذیر ساخت. همراه با این نیاز، تحولات عمده‌ای هم که در علوم اجتماعی امریکا به صورت عام و علوم سیاسی و روابط بین‌الملل به صورت خاص رخ داد و باعث تقویت گرایشهای گوناگون منجمله رفتارگرایی شد،^(۱۰) به گسترش مطالعات منطقه‌ای کمک کرد و این همزمان با اوج حضور و درگیری امریکا در جهان سوم است.

در دهه ۱۹۷۰، رقابتهای امریکا و شوروی در عرصه جهانی، به نحو شگفت‌انگیزی مطالعات منطقه‌ای را توسعه بخشید. شایان ذکر است که توسعه مطالعات منطقه‌ای نباید صرفاً به معنای افزایش تحقیقات و انتشارات درباره کشورهای جهان سوم، قلمداد گردد. مطالعات امریکا شناسی و روس شناسی نیز در این دوران شتاب خاصی گرفتند. روسها مؤسسه مطالعات امریکا و کانادا (به ریاست آرباتف) را به کانونی برای تحقیقات کاربردی در مورد جامعه و سیاست امریکا تبدیل کردند. متقابلاً روس شناسی نیز به اوج خود رسید.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در اواخر دهه ۱۹۷۰ و تحولات اروپای شرقی در اواخر دهه ۱۹۸۰، نیز عوامل تقویت‌کننده مطالعات منطقه‌ای محسوب می‌شوند. در دهه ۱۹۹۰ و به دنبال خاتمه جنگ سرد وضعیت این مطالعات، متحول شده است. این

۹- یکی از اساسی‌ترین کارهای یونسکو، توسعه و تقویت علوم اجتماعی و انسانی در کشورهای مختلف است. یونسکو همچنین در عرضه دسته‌بندیهای منظم از زیر مجموعه‌های هر کدام از رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی نقش فعالی داشته است. توسعه مطالعات منطقه‌ای در چارچوب گسترش علوم انسانی و اجتماعی صورت می‌گیرد.

۱۰-مراجعه کنید به :

Torbjorn Knutsen , *A History of International Relations Theory* (Manchester Manchester University press , 1992) , pp. 213-234 .

تحول از یک سو، رشته مطالعات منطقه‌ای را از رقابت سنتی دوران جنگ سرد خارج کرده و از سوی دیگر حوزه‌ها و مفاهیم جدیدی را وارد این مطالعات کرده است.^(۱۱) تنوع جنگ‌های داخلی و قومی، و ترکیبی از عوامل مذهبی و نژادی در منازعات بعد از دوران جنگ سرد، تداوم توجه به مطالعات منطقه‌ای را در بر داشته است. از مجموعه آنچه که در این بهره مطرح شد، می‌توان استنباط کرد که مطالعات منطقه‌ای رابطه تنگاتنگی با تحولات قدرت، مخصوصاً در چند دهه اخیر داشته است و این رابطه در قالب‌های مختلفی خود را نشان داده است.

سخن درباره پیشینه مطالعات منطقه‌ای، بدون مختصر اشاره‌ای به تحولات این رشته در ایران ناقص به نظر می‌رسد؛ در یک کلام باید گفت که علی‌رغم قرار گرفتن ایران در منطقه‌ای بسیار حساس، و همسایگی آن با چهار منطقه شبه قاره هند، خلیج فارس، شرق دنیای عرب، شرق مدیترانه و شوروی سابق (آسیای مرکزی و قفقاز فعلی)، رشته مطالعات منطقه‌ای در محافل دانشگاهی و علمی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با وجود سنت طولانی تدریس علوم سیاسی در ایران، مطالعات منطقه‌ای نه به عنوان رشته‌ای مستقل، بلکه در قالب درس‌های محدودی با عنوان «سیاست و حکومت در خاورمیانه»، «سیاست و حکومت در اروپای غربی» و نظایر آن در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد تدریس شده است. در مجموع با اندکی تسامح می‌توان اظهار داشت که

۱۱- در حقیقت، از اواخر دوره گورباچف، با همکاری مشترک دانشمندان علوم اجتماعی امریکا و شوروی، مطالعات منطقه‌ای وارد مرحله جدیدی شد. به عنوان نمونه می‌توان به برپایی کنفرانس درباره روابط ایران با امریکا و شوروی در ۱۹۸۸ در دانشگاه لس آنجلس با مشارکت متخصصین روسی و امریکایی اشاره کرد. تقریباً اولین مرتبه‌ای بود که دو گروه مذکور در مورد همکاری مشترک مطالعاتی در حوزه کشورهای جهان سوم انجام می‌دادند. برای آگاهی از مباحث این کنفرانس مراجعه کنید به :

Nikki Keddie and Mark Gasiorowski , *Neither East , Nor West : Iran , The Soviet Union and the United States* , New Haven : Yale University Press , 1990.

کنفرانس مشابهی نیز درباره «امریکا، شوروی و اسلام» با همکاری انستیتو شرق‌شناسی مسکو، کالج

دارموث و مؤسسه اسمیتسونین امریکا در آوریل ۱۹۹۰ در واشنگتن برگزار گردید.

جامعه علوم سیاسی ایران، چندان گرایشی به مطالعات منطقه‌ای نشان نداده است. (۱۲)

بهره دوم: نقاط ضعف متدلوژیک مطالعات منطقه‌ای

پیشینه مطالعات منطقه‌ای تا حدودی گویای ضعفهای مربوطه در حوزه روش شناسی می‌باشد. به طور کلی دو دسته اشکالات متدلوژیک را در عرصه مطالعات منطقه‌ای می‌توان مشاهده کرد؛ دسته اول مشکلاتی ناشی از پراکندگی متدلوژیک است و دسته دوم اشکالات به وجود و بروز انگیزه‌های سیاسی بر می‌گردند.

۱- پراکندگی و فقدان وحدت رویه متدلوژیک: همه کسانی که یک منطقه را مطالعه می‌کنند، الزاماً دارای یک زمینه واحد متدلوژیک نیستند و هر کدام از زاویه دید رشته خاص خود به یک منطقه نگاه می‌کنند. متدلوژی هر یک از رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی، در عین وجود برخی از تشابهات، با یکدیگر متفاوت می‌باشد. این پدیده به

۱۲- حدود ۷۰ سال از آغاز تدریس رشته علوم سیاسی به عنوان رشته‌ای مستقل می‌گذرد و از ابتدای تأسیس دانشگاه تهران، این رشته، به طور لاینقطع دانشجوی علوم سیاسی تربیت کرده است. ولی به نظر می‌رسد که علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران نسبت به مطالعات منطقه‌ای توجه چندانی نداشته‌اند. در زمینه مطالعات منطقه‌ای، باید گفت که با تشکیل مرکز مطالعات عالی بین‌المللی وابسته به دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در نیمه دهه ۱۳۴۰ شمسی، مطالعات منطقه‌ای قدری پا گرفتند، ولی هیچ‌گاه مرکز مستقلی برای شناخت مناطق مختلف جهان راه اندازی نشد. تنها مورد مطالعات امریکا شناسی در چارچوب رشته جدید مطالعات بین‌المللی در دانشگاه پهلوی سابق (دانشگاه شیراز) در نیمه اول دهه ۱۳۵۰ شمسی است. همچنین در مؤسسه روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه در قبل از انقلاب دوره‌های کوتاه خاورمیانه شناسی و روس شناسی برای دیپلماتها تشکیل شد، ولی نمی‌توان آنها را مطالعات منطقه‌ای به صورت پایدار ذکر کرد. بعد از انقلاب دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه با تشکیل گروه مطالعات آسیا، گروه مطالعات آفریقا، گروه مطالعات اروپا و امریکا، مرکز مطالعات خلیج فارس و مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز گامهایی را در جهت تقویت مطالعات منطقه‌ای برداشته است. مرکز پژوهشهای علمی و استراتژیک خاورمیانه نیز مؤسسه جدید التأسیسی است که بر مطالعات خاورمیانه تأکید می‌کند.

ایجاد نوعی تشنت متدولوژیک و بعضاً استنتاجهای متفاوت و متضاد در مورد مناطق مورد مطالعه می‌انجامد.

در مطالعات منطقه‌ای، معمولاً پنج رشته حضور دارند. رشته اول مطالعات تاریخی است. رشته تاریخ، متدولوژی ویژه خود را دارد و در آن، تأکید خاصی بر ثبت حوادث و مخصوصاً بر صحت اسناد و مدارک معمول می‌گردد. همراه با این گرایش عام متدولوژیک، رشته تاریخ به سبب گستردگی فراوان از نظر موضوعات مورد مطالعه و همچنین وسیع بودن زمان، در درون خود به گرایشهای متدولوژیک ویژه نیز روی می‌آورد. در هر کدام از زیر مجموعه‌های رشته تاریخ که از دهها زمینه تخصصی تشکیل می‌گردد. متدولوژی ویژه‌ای دنبال می‌شود؛ به عنوان مثال، تاریخ خاورمیانه را در نظر بگیریم، به لحاظ وسعت موضوعات تاریخ خاورمیانه، پهنای این منطقه و عامل متحول زمان در آن، با رشته‌هایی چون تاریخ خاورمیانه در قرون باستان، قرون میانی و قرون معاصر رو به رو هستیم. به علاوه، هر یک از کشورهای خاورمیانه، تاریخهای مخصوص خود را دارند، مخصوصاً اگر در نظر بگیریم که تمدنهای بزرگی در این منطقه وجود داشته‌اند. همچنین موضوعاتی نظیر مذهب، اقتصاد، فرهنگ و مناسبات نظامی در این منطقه، فراز و نشیبهای زیادی را داشته‌اند. در هر یک از زمینه‌های مذکور دهها تحقیق صورت گرفته و می‌گیرد؛ تنوع مطالعه از نظر روش‌شناسی به گونه‌ای است که بدون اغراق می‌توان گفت: در کل منظومه مطالعات تاریخی منطقه‌ای، پراکندگی وجود داشته، الزاماً همه محققین تاریخ خاورمیانه از رویه واحدی پیروی نمی‌کنند.

رشته دوم حاضر در عرصه مطالعات منطقه‌ای، مطالعات زبان‌شناسی است. پر واضح است که هر چند مطالعات زبان‌شناسی از مطالعات تاریخی بهره برده و نمی‌توان زبان‌شناسی را مستقل از تاریخ مطالعه کرد، اما زبان‌شناسی برای خود اسلوب، سبک و روش ویژه‌ای دارد. شاید با اندکی اغماض بتوان گفت که در هر یک از زبانهای موجود در یک منطقه، مطالعات زبان‌شناسی به مفهوم اعم، روش‌شناسی ویژه و مخصوص خود را توسعه داده است. مثال خاورمیانه بهترین مورد است؛ در خاورمیانه، سنتاً با سه زبان سر و کار داشته‌ایم. این زبانها عبارتند از: عربی، فارسی و ترکی. به علاوه، در چند دهه گذشته، در پی برنامه‌های سیاسی و فرهنگی طرفداران اسرائیل، زبان عبری نیز در این

منطقه مطرح شده است. هر کدام از زبانهای مذکور، از نظر مطالعات زبان شناسی سیر تحول و تکامل خاصی را دنبال کرده‌اند و الزاماً همه زبان شناسان این منطقه، از الگو و متد واحدی برای مطالعات خود پیروی نمی‌کنند.

جامعه شناسی، سومین رشته‌ای است که در مطالعات منطقه‌ای باید بدان اشاره کرد. بیرون رفتن جامعه شناسی از حصار اروپایی و امریکایی و توجه به مطالعات عینی در سایر مناطق دنیا، از یک سو به غنای جامعه شناسی انجامیده و از سوی دیگر مطالعات منطقه‌ای را پر بار نموده است. ولی از این حقیقت نمی‌توان غافل بود که جامعه شناسی اولاً بسیار گسترده بوده، کمتر رشته‌ای از رشته‌های علوم اجتماعی، به میزان جامعه شناسی، دارای زیر مجموعه‌ی گوناگون و پر تنوعی است. و ثانیاً این تنوع نتوانسته است به غلبه یک روش شناسی منسجم در کل این رشته منجر گردد.

مطالعات جامعه شناختی که در باره انقلاب اسلامی ایران صورت گرفته، مثال گویایی درباره تنوع روش شناسی، صرفاً در یکی از رشته‌های جامعه شناسی مربوط به مطالعات منطقه‌ای است. در بین این آثار با سه دسته روش شناسی رو به رو هستیم؛ روش اول، انقلاب را از زاویه دید روش شناسی مارکسیستی مطالعه می‌کند، دومین روش، به آموزه‌ها و روش ماکس وبری عنایت دارد و سومین روش، آمیزه‌ای از ماکس وبر را به هم آمیخته است.

مردم شناسی چهارمین رشته مطرح در مطالعات منطقه‌ای است. توجه خاص مردم شناسان به مکان و فرهنگهای مناطق مختلف جهان، آنها را به بخش انفکاک ناپذیری از مجموعه مطالعات منطقه‌ای تبدیل کرده است. ظاهراً به دلیل قلت تعداد مردم شناسان منطقه‌ای در مقایسه با جامعه شناسان، این رشته انسجام متدلوژیک بیشتری دارد. در عین حال نباید از نظر دور داشت که مردم شناسی، مرتبط با جامعه شناسی بوده، لذا در ضعفها و قوتهای متدلوژیک، با آن رشته شریک است.

علوم سیاسی، پنجمین رشته سهیم در مطالعات منطقه‌ای است. مشارکت این رشته در توسعه مطالعات منطقه‌ای در مقایسه با سایر رشته‌ها، بیشتر می‌باشد. در این خصوص سه پدیده را باید باز شناخت. پدیده اول آنکه، مسایل مطرح در علوم سیاسی در مفهوم عام و گسترده آن که شامل رشته روابط بین‌الملل نیز می‌شود، رابطه

مستقیم‌تری با مسایل جاری و تصمیم‌گیری سیاسی دارند و لذا علوم سیاسی دانان در سطوح مختلف مطالعات در بررسی مسایل کشورها و مسایل منطقه‌ای، به جنبه‌های معاصر و مورد نیاز توجه دارند. از آنجا که تمرکز عمده مثالها در این نوشتار بر مطالعات منطقه خاورمیانه است، مناسب است که اشاره کنیم حوادث دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ خاورمیانه، مانند انقلاب اسلامی ایران، جنگ ایران و عراق، اشغال نظامی افغانستان و جنگ کویت و عراق، به لحاظ ماهیت سیاسی و متأخر خود، در حوزه علوم سیاسی بیشتر مورد بحث قرار گرفتند و جالب آنکه حتی برخی از متخصصین سایر رشته‌ها، به تحلیلهای سیاسی روی آوردند. شبیه این پدیده در مطالعات آسیای مرکزی تکرار شده و می‌شود.

پدیده دومی که در زمینه مشارکت علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در مطالعات منطقه‌ای نیاز به توجه دارد، آن است که دوزیر مجموعه کلاسیک علوم سیاسی، حیات و تداوم کار خود را مرهون وجود مطالعات منطقه‌ای می‌دانند. توضیح آنکه؛ در حال حاضر پهنه علوم سیاسی به زیر مجموعه‌های «اندیشه سیاسی»، * روش‌شناسی و تحلیل کمی» ** «روابط بین‌الملل» *** «سیاست تطبیقی» **** و مطالعات مربوط به «سیاستگذاری عمومی» ***** تقسیم می‌شود. (۱۳) زیر مجموعه‌های روابط بین‌الملل و

*Political Thought

** Methodology and Quantative Analysis

***International Relatins

**** Comparative Politycy

*****Public Policy

۱۳- لازم به یادآوری است که در امریکا، علاوه بر رشته‌های مزبور، مطالعات مربوط به سیاست امریکا American Politics نیز یکی از زیر مجموعه‌های دیگر علوم سیاسی است. برای آگاهی از وضعیت کلی رشته علوم سیاسی و زیر مجموعه‌های آن مراجعه کنید به :

Ada Finifter , *Political Science : The State of the Discipline* , Washington D.

C : American Political Science Association , 1994 .

سیاست تطبیقی، پیوندی ناگسستنی با مطالعات منطقه‌ای دارند. در روابط بین‌الملل، مسایل مربوط به رفتار خارجی و بین‌المللی کشورها و در سیاست تطبیقی، مسایل درونی و سیاست داخلی کشورها مد نظر است. در هیچ یک از رشته‌های علوم اجتماعی، چنین تقسیم‌بندی و زیر ساختی برای مطالعات منطقه‌ای وجود ندارد. سومین پدیده‌ای که درباره‌ی رابطه بین مطالعات منطقه‌ای و رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل برجستگی دارد، تنوع متدلوژیک در کلیت این رشته است؛ در این مورد سه نکته را باید یادآور شد. نکته اول آنکه، در رشته روابط بین‌الملل وحدت رویه متدلوژیک وجود ندارد. و منازعه بین رئالیستها، رفتار گرایان و فرا رفتار گرایان، منازعه‌ای عمدتاً متدلوژیک است.^(۱۴) این منازعه بر سرنوشت مطالعات منطقه‌ای بی‌تاثیر نیست. نکته دوم آنکه، در رشته سیاست تطبیقی نیز یک متدلوژی واحد غلبه نداشته، متدلوژیهای موسوم به کلاسیک لیبرال، مارکسیستی و نئومارکسیستی مورد استفاده قرار می‌گیرند.^(۱۵) نکته سوم آنکه، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در هر

همچنین نیاز به توضیح است که رشته سیاستگذاری عمومی طی ده سال گذشته، جایگاه برجسته‌ای را در بین زیر مجموعه‌های علوم سیاسی یافته است. این رشته از سابقه کمتری نسبت به سایر زیر مجموعه‌های علوم سیاسی برخوردار است. برای آگاهی از کم و کیف این رشته مراجعه کنید به :

Randall Ripley , *Policy Analysis in Political Science* (Chicago : Nelson - Hall Publishers , 1987) , pp. 1-30 .

۱۴-مراجعه کنید به مقدمه محمود سریع القلم بر ترجمه :

ریموند کوهن، قواعد بازی در سیاست بین‌الملل، ترجمه مصطفی شیشه چی‌ها (تهران : سفیر،

۱۳۷۰)، صص ۱۷-۷.

۱۵-در رشته سیاست تطبیقی، مباحث متدلوژیک فراوانی درباره بهترین شیوه تجزیه و تحلیل مسایل سیاست داخلی و تطبیقی وجود دارد و گستردگی روشها به گونه‌ای است که نمی‌توان انتظار ظهور یک اجماع متدلوژیک را داشت. مراجعه کنید به :

Robert Holt and John Richardson , "Competing Paradigms in Comparative Politich" in *The Methodology of Compartive Research* , Edited by Robert Holt

کشوری، از حال و هوای خاص و ویژه‌ای نشأت گرفته و تفاوت‌های فضاها علمی - تحقیقاتی در کشورهای مختلف، نهایتاً بر کیفیت کار متدلوژیک محققان مطالعات منطقه‌ای تاثیر خواهد داشت. به عنوان نمونه، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در قاره اروپا و امریکا، تقریباً از دو زاویه متفاوت متدلوژیک نگریسته می‌شود. در حالی که در کشورهای اروپایی تمایل بر مطالعات تاریخی زیاد است، در امریکا تأکید خاصی بر مطالعات معاصر از یک سو، و تئوریزه کردن رفتار کشورها از سوی دیگر می‌شود و به طور کلی جنبه‌های متدلوژیک و نظریه پردازی در امریکا بیشتر مورد توجه است.^(۱۶)

نتیجه وجود گرایشها و برداشتهای مختلف متدلوژیک در همه رشته‌هایی که به آنها اشارت رفت، بروز نوعی تشتت و پراکندگی روش‌شناسی در مطالعات منطقه‌ای است. لازم به ذکر است که مطالعات منطقه‌ای انحصاراً به پنج رشته‌ای که به آنها پرداخته شده، منحصر نمی‌شود و رشته‌های دیگری را نیز شامل می‌گردد که این خود بر پیچیدگی و تنوع متدلوژیک در پهنه مطالعات منطقه‌ای می‌افزاید.^(۱۷)

and John Turner (New York : The Free Press , 1970) , pp. 21-72 .

۱۶-مراجعه کنید به :

David Easton et. all , (Eds.) *The Development of the Political Science* , London; Routledgs , 1991 .

در این کتاب تفاوت‌های علوم سیاسی در آلمان، انگلیس، ایتالیا، اسپانیا، کشورهای نرویاک، کشورهای آفریقایی و چین در مقاله‌های مختلف تشریح شده است. برای اطلاع بیشتر در زمینه شرایط ملی تحولات علوم سیاسی در کشورهای مختلف همچنین مراجعه کنید به :

Dag Anckar and Erkki Berndston , *Political Science Between the Past and the Future* , Helsenki : the Finish Political Science Association , 1988 .

۱۷- دو رشته دیگری که باید به آنها اشاره شود، اقتصاد و روانشناسی است. این دو رشته نیز در مطالعات منطقه‌ای مطرح‌اند، اما روشهای مورد استفاده آنها دقیق‌تر از سایر رشته‌ها بوده، لذا بیشتر تمایل به کشف قوانین عام و بین‌المللی دارند، تا مطالعه روندهای منطقه‌ای. در دهه گذشته، رشته اقتصاد سیاسی در مطالعات منطقه‌ای از رونق برخوردار شده است.

این پراکندگی متدلوزیک در کنفرانسهای علمی که از متخصصین رشته‌های مختلف علاقمند به یک منطقه تشکیل می‌گردد، کاملاً روشن می‌شود. به عنوان مثال، می‌توان به کنفرانسهای سالانه انجمن مطالعات خاورمیانه‌ای امریکای شمالی موسوم به MESA* اشاره کرد. در کنفرانسهای سالانه این انجمن، بیش از چهارصد مقاله تحقیقی در مورد منطقه خاورمیانه عرضه می‌گردد که در این میان، کمتر مقاله‌ای از نظر متدلوزیک با دیگری شبیه می‌باشد. (۱۸)

*Middle Eastern Association of North America (MESA)

۱۸- نه تنها از نظر رشته علمی، بلکه تنوع موضوعات مورد مطالعه توسط اعضای مسا، بر پراکندگی روش‌شناسی مطالعات خاورمیانه تأثیر می‌گذارد. علاوه بر اینکه اعضای مسا در رشته‌های مختلف و متنوعی پژوهش می‌کنند، تعداد ۲۴ سازمان مستقل مطالعاتی در مسایل خاورمیانه به عنوان اعضای سازمانهای پیوسته (Affiliated Associations) با مسا پیوند دارند. نام این سازمانها ذیلاً درج می‌شود. ذکر این سازمانها، بدین منظور صورت می‌گیرد که دیدی افقی از تنوع مطالعات منطقه‌ای عرضه شود. شایان ذکر است که این صرفاً یکی از دهها سازمان علمی مطالعات منطقه‌ای فعال است. در هر کدام از آن انجمنها نیز دهها انجمن و مؤسسه مستقل فعالیت دارند. سازمانهای پیوسته با مسا عبارتند از:

۱- انجمن توسعه تحقیقات آسیای مرکزی

Association of the Advancement of Central Asian Research (AACAR)

۲- انجمن امریکایی معلمین زبان عربی

American Association of Teachers of Arabic (AATA)

۳- انجمن امریکایی معلمین زبان فارسی

American Association of Teachers of Persian (AATP)

۴- انجمن امریکایی معلمین زبان ترکی

American Association of Teachers of Turkish (AATT)

۵- انستیتو امریکایی مطالعات مغرب (AIMS) American Institute for Maghribi Studies

۶- انستیتو امریکایی مطالعات یمن (AIYS) American Institute for Yemeni Studies

آنچه در مورد پراکندگی روش شناسی مطالعات منطقه‌ای ذکر شد، نبایستی صرفاً به

- | | |
|---|---|
| American Numismatic Society (ANS) | ۷- انجمن سکه شناسی امریکایی |
| American Research Center in Egypt (ARCE) | ۸- مرکز تحقیق امریکایی در مصر |
| Association of Central Asian Studies (ACAS) | ۹- انجمن مطالعات آسیای مرکزی |
| Association For Israeli Studies (AIS) | ۱۰- انجمن مطالعات اسرائیلی |
| | ۱۱- انجمن مطالعات زنان خاورمیانه |
| Association for Middle East Women's Studies (AMEWS) | |
| Center for Arabic Studies Abroad (CASA) | ۱۲- مرکز مطالعات عربی خارج |
| | ۱۳- شورای مراکز تحقیقاتی امریکا در خارج |
| Council of American Overseas Research Centers (CAORC) | |
| Middle East Economic Association (MEEA) | ۱۴- انجمن اقتصاد دانان خاورمیانه |
| Middle East Librarian Association (MELA) | ۱۵- انجمن کتابداران خاورمیانه |
| Middle East Medievalists (MEM) | ۱۶- انجمن قرون وسطا شناسان خاورمیانه |
| Middle East Microform Project (MEMP) | ۱۷- پروژه میکروفرم خاورمیانه |
| Middle East Outreach Council (MEOC) | ۱۸- شورای گسترش خاورمیانه |
| | ۱۹- تاریخدانان امریکایی هنر اسلامی |
| North American Historians of Islamic Art (NAHIA) | |
| Society of American Studies (SAS) | ۲۰- انجمن مطالعات ارمنی |
| Society for Gulf Arab Studies (SEAS) | ۲۱- انجمن مطالعات خلیج عربی |
| Society for Iranian Studies (SES) | ۲۲- انجمن مطالعات ایرانی |
| Sudan Studies Association (SSA) | ۲۳- انجمن مطالعات سودان |
| Turkish Studies Association (TAS) | ۲۴- انجمن مطالعات ترکی |

برای آگاهی بیشتر از اعضا، سازمانها و فعالیتهای مسامراجعه کنید به :

Naucy Dishaw and Sara Palmer , *Roster of Members : Middle East Studies Association North America* , Tuscon : University of Arizona , 1992 .

عنوان ضعف متدلوزیک این مطالعات قلمداد گردد. رشته‌های علوم اجتماعی، علی‌رغم سهم عمده‌ای که در گسترش دانش بشری داشته‌اند، هنوز قادر به پردازش متدلوزیهای عام و مورد اجماع نشده و احتمالاً نخواهند شد. ولی به هر حال آنچه که در مطالعات منطقه‌ای باید بدان پرداخت، این است که کارشناسان منطقه‌ای، تا به حال نتوانسته‌اند به یک وحدت متدلوزیک دست یابند و این بی‌تردید یک نقطه ضعف محسوب می‌شود.

۲- حضور انگیزه‌های سیاسی: کمتر رشته‌ای است که از تحولات مربوط به قدرت سیاسی دستخوش تغییر و تحول نشده باشد. رابطه بین قدرت و علم، موضوع پژوهشهای فراوانی در رشته پر رونق جامعه‌شناسی معرفت* گردیده و این دیگر امری مسلم شناخته شده که علم و قدرت پیوندی عمیق دارند.^(۱۹) این پدیده در رشته علوم سیاسی بیشتر از سایر رشته‌ها خود را نشان می‌دهد. در بین منظومه متنوع علوم سیاسی، مطالعات منطقه‌ای رنگ سیاسی بیشتری به خود می‌گیرند که این از نقاط ضعف برجسته این مطالعات می‌باشد.

تاریخ تحول مطالعات منطقه‌ای که در اولین بهره‌ای این نوشتار بدان اشارت رفت، حاکی از آن است که نیازهای سیاسی در رشد مطالعات سیاسی موثر بوده و این پدیده عمدتاً دوران بعد از جنگ جهانی دوم بر می‌گردد، ولی به هیچ‌رو منحصر در آن دوران نیست. شرق‌شناسی** با پیشینه حدود پنج قرن خود، در حقیقت نوعی مطالعات منطقه‌ای است. این رشته به شدت مورد انتقاد قرار گرفته و شرق‌شناسان به داشتن انگیزه‌های سیاسی متهم شده‌اند.^(۲۰)

* Socioligy of Knowledge

۱۹- یکی از عمده‌ترین نظریه پردازان رابطه قدرت و علم میشل فوکو است. برای آگاهی از نظرات وی

مراجعه کنید به :

Alau Rayan , "Foucoult's Life and Hard Times " , *The New York Review*

Books , April 8 , 1993 , pp . 12-17.

**Orientalism

۲۰-مراجعه کنید به :

هزینه اصلی تحقیقات مربوط به مطالعات منطقه‌ای نوعاً از طریق دستگاه‌های دولتی در کشورهای غربی تأمین شده و می‌شود.^(۲۱) هر یک از دستگاه‌های اداری در پی منافع بروکراتیک خود هستند که این منافع بروکراتیک خواه ناخواه در گزینش موضوع، پژوهشگر و در مواردی در نتیجه دلخواه تحقیق تأثیر خواهد داشت. سرنوشت روس‌شناسی، گویای وجود انگیزه‌های سیاسی در مطالعات منطقه‌ای و بالتبع سیاسی شدن فضای علمی روس‌شناسی است.^(۲۲) شبیه این مسئله نیز در مطالعات خاورمیانه به چشم می‌خورد. جالب آنکه وجود انگیزه‌های سیاسی فقط منحصر به غربیان نیست، برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که شرقیان نیز در شناخت غرب، به دلیل غلبه انگیزه‌های سیاسی موفق نبوده و به نوعی اشتباهات شرق‌شناسان سنتی را تکرار کرده‌اند. در حقیقت غرب‌شناسی آنها، «شرق‌شناسی وارونه»* بوده است.

نیاز به توضیح بیشتری ندارد که انگیزه‌های سیاسی، مطالعات منطقه‌ای را تا حدودی جهت‌دار نموده‌اند، ولی از این واقعیت نیز نمی‌توان چشم‌پوشید که حضور انگیزه‌های سیاسی و توان مالی دولت‌ها و سازمان‌های حکومتی در گسترش این دسته از

ادوارد سعید، شرق‌شناسی: شرقی که آفریده غرب است، ترجمه اصغر عسگری خانقاه و حامد فولادوند، تهران: عطایی، ۱۳۶۱.

۲۱- جیمز بیل و هاردگریو، دو محقق معروف سیاست تطبیقی، ظهور قدرت جهانی آمریکا را در اواسط قرن بیستم یکی از دلایل رشد این رشته می‌دانند. رجوع کنید به:

James Bill and Robert Hardgrave , *Comparative Politic : The Quest for Theory* (London : All University Press , 1980) , p . 13.

برای آگاهی از نقش دولت آمریکا در بهره‌برداری از تحقیقات علوم اجتماعی و تقویت آنها مراجعه کنید به:

Ronald Chilcote , *Theories of Comparative Politics* (Boulder , : Westview 1981) pp . 41-42.

۲۲- سید محمد کاظم سجاد پور، «بحران روس‌شناسی و مطالعات نوین آسیای مرکزی»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال دوم، شماره ۳ (زمستان ۱۳۷۲) صص ۱۴-۲.

*Reverse Orientalism

مطالعات مؤثر بوده است. در هر صورت این یکی از نقطه ضعفهای این مطالعات بوده و خواهد بود.

بهره سوم: نقاط قوت

برخی از مواردی را که به عنوان نقاط ضعف مطالعات منطقه‌ای ذکر گردید، می‌توان ظرفیت بالقوه‌ای برای تبدیل به نقاط قوت تصور کرد. پراکندگی متدلوژیک می‌تواند زمینه را برای پردازش نظریه‌ها و تئوریهای نو فراهم آورد؛ وجود انگیزه‌های سیاسی هم می‌تواند فکر و اجرا، یعنی دو جزیره‌ای را که در مواردی با هم فاصله زیادی دارند، به هم نزدیک سازد.

۱- ظرفیت نظریه پردازی: مطالعات منطقه‌ای، ظرفیت منحصر به فردی را برای نظریه پردازی و تئوریزه کردن روابط اجتماعی و سیاسی فراهم می‌آورند و این یک توان متدلوژیک است که انحصاراً باید در حوزه مطالعات منطقه‌ای به جستجوی آن پرداخت. در این خصوص دو موضوع «امکان آزمایش و فرصت خلق نظریات» و «امکانات بین رشته‌ای» را باید مطالعه کرد.

در خصوص «امکان آزمایش» باید گفت که مطالعات منطقه‌ای آزمایشگاه مجهز و بزرگی را برای آزمودن انواع تئوری‌های مختلف اجتماعی فراهم آورده‌اند. آزمایش یکی از اصلی‌ترین مراحل استنتاجهای علمی است، اما باید توجه داشت که آزمایش در متدلوژی علوم اجتماعی ماهیتاً با رشته‌های علوم دقیقه فرق دارد؛ زیرا موضوع مورد آزمایش در رشته‌های علوم اجتماعی، انسان، جوامع انسانی و مناسبات اجتماعی است.^(۲۳) مطالعات منطقه‌ای با گردآوری اطلاعات و انباشت آگاهیهای گوناگون و فرصت منحصر بفردی را برای آزمایشهای اجتماعی فراهم می‌آورند.

تحقیقات فراوانی که محققین مطالعات منطقه‌ای در مناطق مختلف انجام داده‌اند، به

۲۳- برای بحث آزمایش در علوم اجتماعی و سیاسی مراجعه کنید به :

Betty Zisk , *Political Research : A Methodological Sampler* (Lexington : D . C Heath and Co ,1981) , pp. 127-128 .

ماده خام مناسبی برای آزمایش‌های بعدی است. شایان ذکر است که بسیاری از این تحقیقات مبتنی بر حضور پژوهشگر در منطقه و زیستن بین مردمان بومی بوده است. زدودن بارها و محتویات سیاسی و یا اغراض شخصی پژوهشگران این‌گونه مطالعات، از نتایج تحقیقات مشاهده‌ای و غیر مشاهده‌ای، می‌تواند نقطه مناسبی برای هر نوع آزمایش اجتماعی باشد. از تحقیقات فراوانی که در جامعه‌شناسی سیاسی کشورهای آفریقایی صورت گرفته تا مطالعات گسترده‌ای که در مورد سیستم‌های اداری اروپای شرقی انجام یافته، می‌توانند زمینه را برای آزمایش نظریه‌های اجتماعی و سیاسی فراهم کنند و به تأیید و یا رد آن نظرات کمک کنند.

دومین موضوعی که در ظرفیت نظریه‌پردازی مطالعات منطقه‌ای باید مد نظر قرار داد، فعالیت‌های بین‌رشته‌ای است. هر چند که عدم وحدت متدلوزیک، خواه ناخواه نقطه ضعف قلمداد می‌گردد، اما این امکان را نیز به وجود می‌آورد که در یک موضوع واحد، یعنی مسئله‌ای در مطالعه یک منطقه، دانشمندان علوم اجتماعی مختلف با استفاده از ابزارهای مطالعات منطقه‌ای خود با یکدیگر همکاری کنند و این بی‌تردید در غنا بخشیدن به ماهیت پژوهش کمک می‌کند. (۲۴)

وسعت دانش امروز بشر از یک سو، و پیچیدگی‌های فراوان جوامع انسانی از سوی دیگر، مانع آن می‌شود که دانشمند و عالم یک رشته بتواند به تنهایی به توصیف، تحلیل و پیش‌بینی پدیده مورد مطالعه خویش بپردازد. ولی در یک همکاری بین‌رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی این عمل تا حدودی میسر است؛ به عنوان مثال در مورد جامعه پیچیده‌ای چون مصر، مطالعات دانشمندان علوم سیاسی، جامعه‌شناسان، روانشناسان اجتماعی، اقتصاددانان، تاریخ‌شناسان و زبان‌شناسان، بی‌تردید می‌تواند در روشن کردن ابعاد تاریک و مبهم مؤثر واقع گردد، در حالی که هر یک از آن دانشمندان به تنهایی

۲۴- استفاده از تکنیک پژوهشی سایر رشته‌های علوم اجتماعی در علوم سیاسی امری توصیه شده، و

Ibid, pp. 193-221.

پرسود و در مواردی تنها راه حل است. مراجعه کنید به :

ظرفیت محدودی برای نظریه پردازی دارد. مطالعات منطقه‌ای از محدود رشته‌هایی هستند که چنین همکاری‌های بین رشته‌ای را میسر و مقدور می‌سازند.

۲- نزدیکی حوزه‌های فکری و اجرایی: بین کسانی که در عمل درگیر فعالیتهای

اجرایی و سیاسی هستند (سیاستمداران) و افرادی که به مطالعه پژوهش در امور سیاسی مشغولند (دانشمندان علوم سیاسی)، نوعاً فاصله وجود دارد؛ در مواردی این فاصله به بیگانگی، عدم پذیرش یکدیگر و یا متهم کردن متقابل منجر می‌گردد. سیاستمداران، دانشمندان علوم سیاسی را متهم به عدم آگاهی از واقعیتهای اجرایی و به دور از آتش مناسبات روزمره می‌نمایند و دانشمندان علوم سیاسی نیز سیاستمداران را فاقد ایده منسجم و ذهن تئوریک می‌پندارند. البته نوع این رابطه بستگی تام به ماهیت سیستم سیاسی و وضعیت نهادهای سیاسی و مؤسسات علمی در هر کشور دارد؛ در عین حال نوعی اشتراک‌های بین‌المللی در این خصوص مشاهده می‌شود. تعداد کسانی که در هر دو حوزه فکر و اجرا درخشیده باشند، زیاد نیست. (۲۵)

مطالعات منطقه‌ای ظرفیت آن را دارد که دو جزیره مورد نظر را به هم نزدیک کند؛ در مجموع فضای متدلورژیک حاکم بر این مطالعات، در عمل باعث نزدیکی سیاستمداران و دانشمندان علوم سیاسی و اجتماعی شده است. علت این را باید در اشتراک در منطقه مورد مطالعه یافت سیاستمدار و محقق به یک منطقه توجه دارند و نفس این توجه واحد، وسیله‌ای برای نزدیکی آنها می‌شود.

در حقیقت مطالعات منطقه‌ای، به رشد مطالعات کاربردی سیاسی* و مطالعات با گرایش سیاستگذاری** کمک شایانی کرده و می‌کنند. منظور از این نوع مطالعات،

۲۵- برای درک ضرورت آمیزش این دو حوزه با هم و نمونه‌ای از کار تئوریک آمیخته با نمونه‌های

تجربی، نگاه کنید به :

Elmer Plischke , *Foreign Relations : Analysis of Its Anatomy* (New York : Greenwood Press , 1988) , pp . 1-7.

*Applied Political Studies

**Policy Oriented Studies

پژوهشهایی است که متضمن ارائه راه‌حلهای کوتاه مدت و بلند مدت برای مقاصد اجرایی هستند. این گونه مطالعات انگیزه راه‌اندازی دهها مؤسسه تحقیقاتی در سرتاسر دنیا شده است که در آنها، محققین مطالعات منطقه‌ای در کنار مقامات اجرایی به بررسی منطقه مشخصی می‌پردازند و در این زمینه بررسی آنها در پی یافتن راه‌حلهای عملی برای پایان دادن به بحرانها و یا فراهم آوردن شرایط مشخص سیاسی است. (۲۶)

در این گردهماییها و فعالیتها، دو موضوع جلب نظر می‌کند: موضوع اول آنکه، فرض بر استفاده و نیاز مشترک فکر و اجرا به یکدیگر است. به عبارت دیگر، از یک سو به توانهای فکری، قدرتهای تحلیلی و ذهنهای تئوریک نیاز است و از سوی دیگر نیروهای اجرایی که در صحنه و منطقه حضور دارند. موضوع دوم، تعدیلهای و ایجاد تعادلهایی است که معمولاً از این همکاریها به دست می‌آید. از یک سو دانشمندان علوم سیاسی بلند پروازیهای تئوریک خود را با دیدن واقعتهای اجرایی تعدیل می‌کنند و از سوی

۲۶- این گونه مؤسسات در کشورهای غربی و جهان سوم، به طور مستقیم و غیر مستقیم در تصمیم‌گیری تاثیر می‌گذارند. نمونه غربی را می‌توان در شورای روابط خارجی امریکا (Council On Foreign Relations) سراغ گرفت. این مؤسسه در حقیقت آمیزه‌ای از افکار مجری و دانشگاهی و محقق در کنار هم بوده، در پخته‌تر شدن نظرات هر دو رشته مؤثر است. برای آگاهی از فعالیتهای آن به گزارش سال گذشته آن مراجعه کنید.

Council on Foreign Relation , 1993 Anual Report : July 1 , 1992-June 30 , 1993 , New York : Councilo on Foreign Relations , 1993.

نمونه جهان سومی آن را می‌توان در انستیتو تحلیلهای و مطالعات دفاعی هند (Institute for Delefse Studies and Analyses) سراغ گرفت. این مؤسسه ماهنامه‌ای با عنوان Strategic Digest منتشر می‌سازد که در پی بررسی علمی مسایل جاری استراتژیک هند می‌باشد. مطالب این مجله عمدتاً بر اساس ملاحظات منطقه‌ای، دسته بندی و عرضه می‌گردد. به عنوان نمونه در شماره دسامبر ۱۹۹۳، در پی سفر رانو نخست وزیر هند به ایران، مسایل مربوط به روابط دهلی نو با تهران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. این توضیح ضروری است که ذکر نام و فعالیت سازمان و نهادهای مزبور به معنای تأیید فعالیتهای آنها نیست.

دیگر، سیاستمداران در برنامه‌های اجرایی خود، به محدودیتها آگاهی یافته، آنها را تعدیل می‌نمایند و در نتیجه تعادلی بین حوزه تفکر و حوزه اجرا به وجود می‌آید. تأکید بر این نکته ضروری است که بقا و رشد جوامع به وجود و برقراری تعادل بین بخشهای آن بستگی دارد؛ عدم تعادل بین حوزه پژوهش و عمل سیاسی بی‌تردید به برهم خوردن تعادل اجتماعی منجر شده، بر عکس همکاری آنها در حفظ تعادل اجتماعی مؤثر است. مطالعات منطقه‌ای در این خصوص از ویژگی خاصی برخوردار می‌باشند.

سخن پایانی

از مجموعه آنچه که درباره تاریخ تحول، نقاط ضعف و قوت متدلوژیک مطالعات منطقه‌ای مطرح شد، می‌توان این نتیجه‌گیری را پررنگ نمود که مطالعات منطقه‌ای از نقطه نظر متدلوژیک فاقد انسجام لازم به عنوان یک رشته منسجم بوده، و با نوعی آشفتگی روش شناختی روبه‌رو هستند؛ به علاوه حضور سنگین انگیزه‌های سیاسی در فضای کلی این مطالعات سایه افکننده است. در نتیجه مطالعات منطقه‌ای با دو ضعف ساختاری یعنی عدم وحدت رویه روش‌شناسی و آشفتگی سیاسی مواجه هستند. در عین حال، این مطالعات از دو نقطه قوت برخوردارند: نقطه قوت اول این مطالعات، ظرفیت فراهم آوردن امکان آزمودن نظریه‌ها از طریق فعالیتهای مشترک بین رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی است و نقطه قوت دوم حالت ارتباطی دست‌اندرکاران اجرایی و نظریه پردازان و محققین دانشگاهی است.

با عنایت به آنچه گذشت، در پایان اشاره به این نکته خالی از لطف نیست که در کشور ما، مطالعات منطقه‌ای چندان ریشه دار نیست و تعداد محققین و مؤسسات مطالعات منطقه‌ای در مقایسه با کشورهای دیگر نسبتاً اندک می‌باشد. در حالیکه نیازهای فراوانی نسبت به گسترش آنها احساس می‌شود. باشد که از طریق طرح مباحثی از قبیل شناخت ضعفها و قوتهای متدلوژیک مطالعات منطقه‌ای و آگاهی بیشتر از این گونه مطالعات، توجه بیشتری در محافل آکادمیک نسبت به گسترش آنها مبذول گردد.